



۰۹ جولای، ۲۰۲۶

پوهاند عبدالحی حبیبی

کشف شاهنامه قبل از دوره مغل

۶۱۴ هـ ق = ۱۲۱۷ م

آغاز پژوهشهای نوی در شاهنامه شناسی

قسمت اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شاهنامه فردوسی کتابیست با ارج جهانی و حماسه بیست که اکثر پهلوانان داستانهای دل انگیز آن، بسرزمین آریانای باستانی و خراسان مابعد «افغانستان کنونی» تعلق دارد و جولانگاه این گردان و شاهان نامور هم همین مناطق بلخ، تخار، سمنگان، کابل، غزنه، بست، زابل، نیمروز، هرات و مجاری هلمند و غیره بوده.

خود فردوسی هم از سرزمین طوس برخاسته، که در آنوقت جزوی از خراسان، در تحت سلطه فرمانروایان غزنه بوده و تمام روایات باستانی رویدادهای شاهنامه را هم از دهقانان و پیر مردان این سرزمین شنیده و باقریحه استوار و نیرومند که در شعر دری داشت آنرا برشته نظم آبدار کشیده است.

بنا برین هم از نظر تاریخی و داستانی و هم از جهت رجال شناسی و جغرافیایی و هم از پهلوی ادبی و لسانی، بیشتر از مواردی در خور افتخار مردم و سرزمین ما شمرده میشود و بایستی که همواره مورد توجه محققان و زبان شناسان و سایر دانشمندان باشد و ما میدانیم که این کتاب ارزشمند قبلاً توجه عامه مردم ما را بحدی جلب کرده بود، که در شبهای دراز زمستان در زیر صندلیها و یا در تاوخانه های گرم، بزمهای شاهنامه خوانی می آراستند و پیران و جوانان از شنیدن داستانهای عبرتناک و سودمند آن حظ میبردند و هم بنابرین شاهنامه نویسی و شاهنامه آرای در مدت این ده قرن، از استانبول تا کلکته رواج داشت و هنرمندان از کاتبان خوش نویس یا نقاشان و مذهبان و مصوران

و صحّافان و جدول کشان و غیره، این کتابرا مظهر هنرمندیهای خود قرار داده بودند و تاکنون صدها نسخه خوش خط و مزین و مُدّهَب و مصوّر آن در کتابخانه ها و موزیم های دنیا محفوظست.

ولی جای تعجب است که کتابی باچنین ارزشهای ادبی و هنری، که مورد توجه و خوانش مردم از دربارها تا بزمهای عامه در روستاها و شهرها بوده، حتی یک نسخه قدیم آن، که نزدیکتر بعصر حیات فردوسی (نیمه اول قرن پنجم هجری) باشد باقی نمانده و تاکنون بر محققان و قدر شناسان این حماسه جهانی پدیدار نیست و نه علت این مسئله بر کسی روشن است، جز اینکه بگوییم: یغمای جهانسوز چنگیزیان، تمام مراکز تمدن و کتابخانه های آسیای میانه و خراسان و ایران را از بین برد و درین بین نسخه های شاهنامه، با سایر آثار ارزشمند دانشوران این سرزمین هم از بین رفت و قراریکه برخی از مؤرخان، از آنجمله یاقوت حموی، بوجود چنین کتابخانه های غنی و اتلاف آن اشاره ها دارند. اما درینجا بااستماع این دلیل، بحث ما قطع نمیشود و صدها سخن دیگر درباره این اثر گرانبهای فردوسی مورد توجه ژرف بنیان سخن شناس قرار میگیرد که از تمام نسخه های باقیمانده و خطی شاهنامه، غالباً دو نسخه موجود نیست، که در ثبت کلمات و ترتیب یا عدد ابیات و تسلسل فصول و مطالب، باهم شباهت و موافقت در تام داشته باشند. این مسئله هم هر شخص ژرف نگر را به شبهت و وسواس اندر می سازد، که اگر بقول فردوسی:

پی افگندم از نظم کاخی بلند که از باد و بارانش ناید گزند

این کاخ پرافتخار نظم، اگر از چشم عوامل طبیعی مانند باد و باران گزندنی ندید، ولی از گزند ارادتمندان شاعر یعنی خواننده گان و نقالان و نویسندگان نُسخ خطی و فرهنگ نگاران و حتی درباریان و دانشمندانی که به جمع و ترتیب و اصلاح نسخه های خطی آن گماشته می شدند و در متن آن دست می بردند، نجات نیافت و آسیبهایی دید، که تلافی آن اکنون میسر نبوده و تمیز و تطهیر اصل از جعل بسیار دشوار است، در حالیکه نسخه اقدمی که بعصر سراینده آن نزدیکتر باشد، تاکنون کشف نشده و بقول یکی از کارکنان شاهنامه طبع مسکو، اکنون دو نسخه کهنه یا نو شاهنامه یافت نمیشود، که در آنها دویست بیت پی در پی همسان و بی کاستی و فزونی باشد.

چون نظم شاهنامه در سنه ۴۰۰ هـ ق = ۱۰۰۹ م ختم شده، بنابراین معتبرترین نُسخ آن همان تواند بود، که در طول همین قرن پنجم یا ششم هجری از طرف اهل زبان دری،

و مخصوصاً در خراسان کتابت شده باشد، زیرا خراسانیان با طرز افاده و لهجه و بیان و ادای مطالب فردوسی آشنا بوده و بنابر نادانی تحریفی را در متن آن روا نمیداشته اند.

نسخه های مهم خطی

(۱) نسخه لندن: تا حدود سالهای هفتادم میلادی، در بین شاهنامه شناسان جهان، کهنترین نسخه های خطی شاهنامه نسخه یی بود که در موزه بریتانیا به شماره Add ۱۲/۱۰۳ موجود است و بر ورق آخر آن، که بخط نستعلیق عادی نازیبا در شش ستون نوشته شده، کلمات (كُتِبَتْ هَذِهِ النسخة فی محرم سنة خمس و سبعین و ستمائة، كذا فی منقول عنه؟ سنه ۶۷۵ (دیده میشود).

این نسخه را نویسنده این سطور سراپا ندیده ام و گویند که چند ورقش بخط نستعلیق گونه است و بقیه بخط نسخ شش ستونی کتابت شده و در طبع مسکو ۱۹۶۰ م هم در جمله چهار نسخه اساسی که مورد مراجعه ترتیب دهندگان بوده، هم همین نسخه موزه بریتانیا ۶۷۵ (؟) بدرجه اول مأخذ قرار داده شده و بقول آنها "از کلیه نسخ خطی که تابحال معلوم و مشهور است، قدیمی تر و بنظر ما بهترین نسخه موجود است."

تا جاییکه عکس برخی از صفحات این نسخه را دیده ام، نویسنده این سطور نسخه لندن را بسیار نوتر از سنه ۶۷۵ ق میدانم. زیرا رسم الخط نستعلیق آن در انجام، بنظر من مربوط حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ ق است. بقول کسانی که آن نسخه را دیده اند، گویا تمام نسخه بیک قلم نیست. برخی به خط نسخی و برخی به نستعلیق است. از روی خط نستعلیق آن با دلایل قاطع حکم توان کرد، که کتابت ۶۷۵ ق نیست. زیرا ما تبدیل خط نسخ و تعلیق را به نستعلیق پیش از حدود ۷۰۰ هـ ق تعیین کرده نمیتوانیم و قدیمترین اثری که از نستعلیق تاکنون سراغ داریم، همان شاهنامه دیموت نستعلیق خوش ۷۴۰ ق ۱۳۳۹ م است، که تصاویر آنرا بین ۸۰۲ - ۸۱۲ ق ۱۳۹۹ - ۱۴۰۹ م مولانا شمس الدین تبریزی ساخته و پرداخته است.

و بعد ازین نسخه شرح مختصر قای عضد را بخط نستعلیق خوانا (اما بدون مزایای هنری (بقلم نجم الدین کرخینی بسال ۷۸۵ ق ۱۳۸۳ م که در محله الافرنج شهر تبریز نگارش یافته سراغ داریم و ازین بر می آید که شیوه نستعلیق نویسی از اوایل قرن هشتم هجری رواج یافته و در اواخر آن و هم در طول قرن نهم بمعراج زیبایی و نفاست هنری رسیده است.

با در نظر داشتن این مقدمات، چگونه تصور می توان کرد، که نسخه لندن بسال ۶۷۵ ق کتابت شده باشد؟

من چون اصل نسخه لندن را ندیده ام، باقطع و یقین درینجا گپ نمیزنم، ولی از روی عکس صفحه واپسین این نسخه که عناوین آن بخط نسخ و متن شش ستونی آن به نستعلیق نازیبای عادی نگاشته شده و آثار حدث و نو بودن بر وجنات آن نمایان است. مانند نوشتن چراغ، چو، پوشش و پای، به سه نقطه (چ، پ) که از خصایص نسخه های بعد از قرن هفتم است. درین صفحه پس از بیت اخیر شاهنامه :

هر آنکس که دارد هُش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین

(مهر مربع ناخوانا)

کلمات تم، تم در دو سطر زیر آمده و بر کنار چپ آن باهمان خط متن این صفحه، در چهار سطر کوتاه عبارات (كُتِبَتْ هَذِهِ النسخة فی محرم سنة خمس و سبعین و ستمائه) نوشته شده و زیر آن می بینیم (کذا فی منقول عنه)- سنه ۶۷۵ (ولی درین سطر و کلمات منقول عنه نقاط ندارد و خواندن آن حدسی است. زیر آن کسی بزبان انگلیسی چنین نوشته :

A.H. ۶۷۵ – AD ۱۲۷۶ The date of this manuscript

بنا برین حدس من اکنون که اصل نسخه را ندیده ام، از روی مطالعه همین صفحه اخیر نسخه چنین است که این نسخه بخط نسخ بوده، ولی نواقصی داشته، که آنرا شخصی دیگر(شاید در حدود ۸۵۰ ق) بخط ناخوش نستعلیق مروج عرص خود، از روی نسخه بی دیگر که در محرم ۶۷۵ ق نوشته شده بود تکمیل کرده و زیر آن به عبارات (کذا فی منقول عنه سنه ۶۷۵) بدین مطلب اشاره نموده است.

بنابراین تفصیل تا وقتی که تمام نسخه لندن برآی العین دیده نشود و ممیزات خطی و املائی و کاغذ و دیگر خصایص نسخه شناسی در آن، بدقت معاینه نشود، از روی مشاهده عکس فوق، حدس قریب بیقین همین است و هم ازینروست که برخی از نسخه شناسان، تاریخ کتابت آنرا امری مُسلم ندانسته و نوشته اند: "که اگر احتمال خدشه بی در تاریخ کتابت آن نرود، و همه اوراقش یکدست دانسته شود. "...

بهر صورت چون رسم الخط نستعلیق در ۶۷۵ ق هنوز رواج و نضج نیافته و هم طرز نگارش نستعلیق نسخه لندن به نوشته های قرن ۹ – ۱۰ ق شباهت تام دارد و در نوشتن حروف خاص فارسی پ، چ، گ نیز همسان نیست بنابراین مورد ظن و شک است.

در کتاب نفیس اطلس خط تألیف خطاط ماهر حبیب الله فضایی (طبع اصفهان ۱۳۵۰ ش) به نسخه قرآن پاک (پوهنتون لاهور) استناد جسته و اشکال پ، چ، گ را با سه نقطه (در رسم الخط نسخی حدود ۴۵۰ ق) این تفسیر نشان داده اند و فضایی ازین نسخه

چنین نتیجه میگیرد: "که درین تفسیر که باحتمال قوی کتابت آن قبل از ۴۵۰ هـ میباشد، نویسنده برای حروف فارسی پ، چ، گ تمیزی قایل شده است که سه تای اولی را به سه نقطه و گاف را گاهی به دو، و گاهی به سه نقطه مشخص داشته است، لذا از دلالت اینگونه مدارک پی می بریم، که ایرانیان از آغاز برای حروف خاص زبان خود تمیز قایل شده اند، ولی کاتبان رعایت نکرده تا کم کم متروک گشته است و هم در تفسیر قرآن پاک دیده می شود، که نویسنده آن، برخی اوقات، این تمیز را رعایت نکرده است. ...".

این استدلال هم استوار و بمنزلت یک دستور مسلم و متبع عامه بنظر نمی آید، زیرا ما در اقدم نسخ خطی تاریخ دار فارسی که تا کنون مکشوفست، یعنی کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تألیف موفق الدین ابو منصور علی هروی، که بخط اسدی شاعر طوسی در ۴۴۷ ق ۱۰۵۵ م نوشته شده (نسخه خطی کتابخانه عامه ویانا ۳۴۰ A. F ۲۱۹ ورق برسم الخط متحول کوفی به نسخی) هم چنین تردد و ناهمسانی را در نوشتن همین حروف می بینیم. مثلاً در صفحه ۹ سطر ۵ نسخه عکسی طبع بنیاد فرهنگ ۱۳۴۴ ش تهران (چون بشیر بُزَند) بصراحت با سه نقطه و ضمه ب و فتحه پ دیده می شود، در حالیکه همین (چون) در صفحات ۶، ۳۶، ۴۹، ۹۶، ۱۳۵ بیک نقطه (چون) است. در ص ۱۳۵، سطر ۶ حکیمان پیشن به (پ) و ترکیب یزدان پرست - ص ۴ سطر ۸ به سه نقطه است، در حالیکه در سطر بعد کلمه پس بیک نقطه (بس) است و ما میدانیم که پس و بس اندر مفهوم و معنی تفاوتی دارند. در نسخه خطی هدایة المتعلمین (بادلیان اکسفورد) مکتوب بسال ۴۷۸ ق ۱۰۸۵ م نیز همین خلط و ناهمگونی دیده می شود.

نسخه دوم خطی کهنتری که تاکنون شناخته شده، مجلد سوم شرح تعرف، تألیف امام فقیه اجل ابو ابراهیم بن اسمعیل مستملی بخاری نوشته شده ۲۴ شوال ۴۷۳ ق ۱۰۸۰ م است. این نسخه نفیس از کابل به پشاور برده شده و در حدود ۱۹۳۰ م به کتابخانه مرحوم فضل صمدانی در بالاماری پشاور داخل و اکنون در موزیم کراچی است. طرز نوشته و خط این نسخه عیناً بخط کتابت الابنیه شبیه است و در سرتاسر نسخه (پ، چ) را بشکل (ب، ج) بدون سه نقطه نوشته اند.

بهر صورت: در باره اکثر نسخ خطی که تاکنون صداها ازان را دیده ام، گفته می توانم که در رسم الخط کهن برخی از نسخ درازمنه مابعد، خواننده گان آن بعد دست برده و نقطه گذاری جدید، بغرض سهولت قرائت آن کرده اند، که این مطلب، از مطالعه دقیق و خواندن سرتاسر کتاب و غور و دقت در علایم و نقاط و نوعیت کاغذ و مداد آن روشن می شود، ورنه نویسنده چیره دست و ادیب سخنوری مانند اسدی چگونه یک حرف را

در دو سطر متصل، طوریکه گذشت، مکرراً ناهمسان و باختلاف نقاط و علایم متمیزه می نوشت؟

حدس من تا وقتی که عین نُسخ خطی ویانا و اکسفورد و غیره با دقت و امعان نظر دیده نشد همین است، که این ناهمسانی و ناهمگونی، ناشی از تصرف خواننده گان بعدی کتابهاست، که آنرا می خواندند و برای تسهیل خوانش، مطابق رواج عصر بر ب، ج، گ نقطه گذاری میکردند، که گاهی در همان صفحه برخی از حروف مذکوره، ازین تصرف و دستبرد نجات می یافت و بر حالت سابق خود می باقی میماند و یک دلیل اینگونه تصرف بعدی، اختلاف شکل نقطه گذاریست، که گاهی سه نقطه را .: و گاهی پ نوشته اند و باری بقول مرحوم شیرانی شبیه شوشه : است بشکل کامه کنونی، و این هر سه نوع تصرف در مخطوطه تفسیر کلکسیون شیرانی لاهور پدیدار است و همین مطلب را در سنه ۱۹۳۸ م هنگامیکه مقاله تحقیقی وی برین موضوع پیشتر در اورینتل میگزین نشر شده و من در کتابخانه بسیار غنی و نُسخ نایاب خطی او در لاهور چند هفته رفت و آمدی داشتم و از محضر آن پیر مرد گرامی نقاد نکته رس مستفید بودم، بخودش گفته بودم و او میفرمود : اگر این مطلب ثابت آید، بران تجدید نظر خواهم کرد. زیرا در دو نسخه خطی کیمیای سعادت امام غزالی : قاهره ۵۷۶ ق و نسخه موزه برتانیه ۶۷۲ ق هم اختلاف نقطه گذاری دیده می شود مانند بیر و پیر، بیدا و پیدا، جیست و چیست.

برای مثال میگویم که نسخه ۲۷ ورق خطی تفسیر قرآن عظیم که در جمله نسخ خطی کابل موجود است (حدود قرن ۴) چون درازمنه بعدی در آن دسبردی نشده و در تنقیط جدید آن کسی نکوشیده، بر همان نسخ اصلی سابق باقی مانده و تنقیط آن سراپا بیک سان و همگونه است، یعنی پدید، چون، پیدا، گماشت، پیغامبر، چیز، بشکل بدید، جون بیدا، کماشت، بیغامبر، چیز نوشته شده و دستی به تنقیط مابعد آن نبرده اند.

دو نسخه خطی کتاب التفهیم البیرونی بخط ثلثی قرن ۴ - ۵ مورخ ۵۳۸ ق و ۵۹۳ ق نیز از تطاول بعدی مصئون مانده و در املای قدیم آن دست نبرده اند مانند ناجاره (ناچاره)، کسترده (گسترده)، جیست (چیست)، کج (کژ).

اکنون در پرتو این مطالعات نسخه لندن را باید دید که متأسفانه نمونه، متن نسخی آن پیش من نیست و تمام حدسم بر یک صفحه عکسی آن مبنی است، که قبلاً نوشته شد و آنرا کتابت ۶۷۵ ق نمیدانم.

ادامه دارد